

آسیب شناسی روابط ایران و هند در بستر جهانی شدن

محمدتقی امراللهی^۱

دانشجوی دکترا مطالعات بریتانیا، مطالعات اروپا دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

ماندانا تیشه یار^۲

استادیار موسسه آموزش عالی بیمه اکو دانشگاه عالمه طباطبائی مشهد، مشهد، ایران

علی گلستانی^۳

دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات شبه قاره هند دانشکده روابط بین الملل مشهد، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۸

چکیده

جهانی شدن مفهومی بنیادین و درعین حال تحول‌زا است که عرصه‌های گوناگون روابط بین‌الملل را در بر گرفته است. این مفهوم به مثابه عنصری تعدیل‌کننده و یا نظم‌دهنده در پس‌زمینه روابط بین‌الملل، بستر کنشگری متعامل/متقابل را فراهم کرده است. اهمیت جهانی شدن، خصوصاً در این پژوهش؛ از تغییراتی است که در بازتوزیع قدرت در سطح ساختاری ایجاد کرده است. در این نوشتار، همراه با واکاوی بعد مفهومی جهانی شدن، به بررسی آثار این پدیده بر روابط ایران و هند پرداخته شده است. در ادامه، همراه با سنجش نوع نگاه این دو کشور به امر جهانی شدن، امکانات و محدودیت‌های بستر حاصل از این وضعیت برای ایران و هند مورد کنکاش قرار گرفته است. سپس با بررسی ظرفیت فراهم‌شده از راه جهانی شدن و دیگر مؤلفه‌های آن برای سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در زمینه روابط ایران و هند؛ به سطح و ابعاد تعامل هند و ایران پرداخته شده است. این نوشتار همچنین با تقسیم مؤلفه‌های موجود به دو دسته همگراساز و واگراساز، اثرگذاری آن‌ها را بررسی کرده و آثار آن‌ها بر روابط ایران و هند را سنجیده است. مبتنی بر یافته‌های پژوهش مؤلفه‌های همگرایی ایران و هند در فضای جهانی شدن، با توجه به چشم‌انداز هند در بازتوزیع قدرت بین‌الملل؛ به شکل فزاینده‌ای با اهمیت‌تر از مؤلفه‌هایی با کارکرد واگرایانه بوده؛ هرچند در سطح ساختاری مخالفت‌های جدی در عملیاتی شدن آنها وجود داشته باشد.

واژگان کلیدی

جهانی شدن، ایران، هند، قدرت، سیاست خارجی.

1. E-mail: mohammadamrollahi@ut.ac.ir

2. E-mail: tisheyar@atu.ac.ir

3. E-mail: a_golestany@yahoo.com

مقدمه

پژوهشگران و اندیشه‌ورزان عرصه سیاست و روابط بین‌الملل، در دهه‌های اخیر شاهد تغییراتی در بعد عملی این عرصه هستند. در این میان، «جهانی‌شدن» شاید بیش از هر فرایند بین‌المللی دیگری این عرصه را دستخوش تحول کرده است؛ به گونه‌ای که مفاهیم برجسته و اصول معتبر موجود هم از این قاعده مستثنا نبوده‌اند.

جهانی‌شدن تغییرات گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و حتی اجتماعی و نظامی تولید کرده است. از جمله اینکه «قدرت» دیگر تنها به بعد نظامی محدود نمی‌شود. جنبه‌های دیگر قدرت، به‌ویژه بعد اقتصادی و فرهنگی آن اهمیت روزافزونی پیدا کرده‌اند. شاخص و معیار توسعه کشورها هم به همین ترتیب متحول شده است. جهان نوین، جهان ارتباطات، اطلاعات و مدیریت آن‌ها است. هیچ کشوری نمی‌تواند به شکل منزوی در جهان درهم‌تنیده موجود عمل کند. بسیاری از دولت‌ها همکاری را بر رقابت ترجیح داده و با تکیه بر اصل اقتصادی «مزیت نسبی» به دنبال تأمین و رفع نیازهای خود و بلکه دیگران هستند. جهانی‌شدن موجب تعامل بیشتر جوامع و حتی ارتباط دولت‌ها شده است. این در حالی است که روابط برخی کشورها که پیشینه‌ای طولانی‌تر دارد نیز در دوره نوین دستخوش تحولات تازه‌ای شده است. روابط ایران و هند تاریخی دیرینه دارد که در نوع خود می‌تواند کم‌مانند باشد.

روابط ایران و هند صرفاً تاریخی نیست؛ بلکه تا حد همکاری‌های اجرایی و عملیاتی جدی در حوزه‌های گوناگون پیش رفته که نشان از عمق و اهمیت آن دارد. سرزمین پهناور هندوستان قدیم، پیش‌تر همسایه ایران بوده که می‌تواند بستر درک متقابل هرچه بیشتر و بهتر این دو کشور را فراهم آورد. جمهوری اسلامی ایران و جمهوری هند دو بازیگر مهم در دو منطقه مهم غرب و جنوب آسیا هستند که نوع

رابطه‌شان می‌تواند نتایج بسیار متنوع و البته مهمی نه تنها برای مناطق خود، بلکه برای ساختار سیاسی نظام بین‌الملل داشته باشد.

در این نوشتار، به آثار جهانی‌شدن بر روابط ایران و هند، ظرفیت فراهم‌شده از راه جهانی‌شدن و دیگر مؤلفه‌های آن برای سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در دو بعد همگرایی و واگرایی، خصوصاً در مورد روابط ایران و هند؛ به سطح و ابعاد تعامل هند و ایران پرداخته می‌شود. دغدغه اصلی این نوشتار پاسخ به این پرسش است که «جهانی‌شدن چه فضایی برای ایران و هند فراهم کرده و آنها چگونه می‌توانند از آن برای گسترش روابط دوجانبه بهره‌مند شوند؟» به این منظور، این پژوهش فرضیه زیر را به آزمون می‌گذارد: «جهانی‌شدن زمینه ارتقاء سطح و نیز گسترش ابعاد روابط ایران و هند در جهت تأمین منافع ملی دوسویه را فراهم آورده است.»

۱. اهداف و ضرورت تحقیق

این نگارش در پی آن است تا ضمن احصا مؤلفه‌های مشترک همگرایی و واگرایی بین ایران و هند چشم‌انداز هند رابطه با هند را در دهه‌های آتی ترسیم کند. چرا که در این چشم‌انداز هند جایگاهی به مراتب معتبرتر از امروز خواهد داشت و سهم بیشتری از فرآیند تولید و توزیع قدرت در سطح ساختاری خواهد داشت. از این رو برای ایران می‌تواند تقویت رابطه با هند به عنوان یک سیاست معطوف به منافع باشد. بنابراین می‌تواند ضرورت تحقیق را در شناخت محیط منطقه ای و ساختار قدرت آتی و نقش فزاینده هند در آن دانست و اهداف تحقیق را چنین برشمرد:

- احصا مؤلفه‌های همگرایی و واگرایی ایران-هند
- ترسیم زمینه‌های مشترک برای تقویت رابطه دوجانبه
- برجسته‌سازی اهمیت تقویت رابطه با هند



۲. روش تفصیلی تحقیق

پژوهش حاضر، پژوهشی کاربردی و معطوف به هدف است. گردآوری اطلاعات این پژوهش از طریق مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی مانند کتب، مقالات، گزارش‌ها و ... انجام شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی خواهد بود که در ابتدا به توصیف موضوعات و سپس به تحلیل آثار آنها پرداخته شده است.

۳. پیشینه و نوآوری پژوهش

اگرچه اخبار و روایت‌های فراوانی در مورد هند وجود دارد اما منابع علمی نسبتاً کم و غیر جامع هستند. حوزه موضوعی این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. منابعی که سابقه جامع این پژوهش باشند را کمتر می‌توان یافت. نگارندگان در ادامه به تعدادی از ادبیات موجود در این حوزه پرداخته‌اند.

آندرکو و فلو (۲۰۱۵) در برنامه هسته‌ای ایران و جنوب جهانی: سیاست خارجی هند، برزیل و آفریقای جنوبی مسائل کشورهای یادشده در حوزه‌های توسعه تحت عنوان جنوب جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نگارندگان در این اثر برآنند که موضوع هسته‌ای ایران بیش از هر چیز به رابطه ایالات متحده با این کشور بستگی دارد.

سورش (۲۰۱۵) در «روابط ایران-هند: چشم‌اندازها و چالش‌ها» به روابط ایران در حوزه‌های مختلفی می‌پردازد. نگارنده بر این باور است هند به‌طور جدی به دنبال تقویت روابط خود با ایران است در عین اینکه نسبت به روابط خود با ایالات متحده و دیگر بازیگران مهم حساسیت دارد. سورش بر آن است که ایران در تلاش است تا سیاست خارجی سنتی خود، تمرکز بر منطقه و اتحادیه اروپا؛ را در فضای جدید از سرگیری کند.

میرزایی و گلستانی (۲۰۱۶) در «برجام و واکنش قدرت‌های منطقه‌ای. آیا



چیزی تغییر خواهد کرد؟» ضمن بررسی واکنش قدرت‌های منطقه‌ای به بررسی مؤلفه‌های پیوند ایران و هند پرداخته‌اند. نگارندگان بر این باورند هند و ایران در حوزه‌های اقتصاد، انرژی، ساختار و ایدئولوژی‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی، آمریکا، اسرائیل، و برنامه هسته‌ای ایران به‌طور جدی پیوند دارند که لزوماً در همه این‌ها متقارن و متناظر نیستند.

سینگ روی (۲۰۱۲) در «ایران: دروازه هند به آسیای مرکزی» به‌طور متمرکز به این پرداخته است که مطالعات فراوانی در خصوص روابط ایران و هند انجام شده که عمدتاً محدود به روابط فرهنگی و تمدنی بوده و کمتر به سایر موضوعات توجه شده است. تمرکز این مقاله بر این سؤال است که: هند تا چه حد توانسته از ظرفیت ترانزیت ایران بهره‌مند شود؟ و عمده چالش‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی پیش روی هر دو کشور برای تحقق این ظرفیت‌ها کدام‌ها هستند؟ در این مقاله استدلال می‌شود که علی‌رغم موقعیت ژئواستراتژیک ایران و همچنین پیچیدگی‌های منطقه‌ای، تقابل ایران-آمریکا، چالش‌های امنیتی و نبود منابع اقتصادی کافی، تلاش‌های هند را برای به حداکثر رساندن پتانسیل‌های ارائه‌شده از طریق مسیرهای مختلف زمینی، دریایی و ریلی که هند را به اوراسیا متصل می‌کند، محدود می‌کند. بنابراین، منطقه از طریق ایران در دسترس‌تر خواهد بود.

آثار متعددی وجود دارند که روابط ایران و هند را در قالب روابط متأثر از یک مؤلفه تحلیل کرده‌اند. پانت (۲۰۰۷) در «تبادل خوب: هند گام‌های محتاطانه‌ای بین ایران و ایالات متحده برمی‌دارد» اصلی‌ترین عامل اوج نگرفتن روابط ایران-هند در حوزه‌های مختلف را مخالفت‌های جدی ایالات متحده ذکر می‌کند. همچنین دادوال (۲۰۱۲) در «پیوندهای انرژی ایران-هند: اقدامی تعادل‌ساز» بر حوزه انرژی و آثار آن بر تعمیق روابط ایران و هند تمرکز کرده است. مؤلفه‌های اثرگذار بر این حوزه، تحریم ایالات متحده علیه ایران و تهدید ایران به ایجاد مانع در تنگه هرمز را دو عامل مهم در ترسیم حرکت سیاست خارجی هند می‌داند.



روابط ایران و هند: چشم‌اندازها و چالش‌ها مجموعه مقالات منتشرشده در یک کتاب است که حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را مورد کنکاش قرار داده است. معینی فر و موسوی (۱۳۹۴) در این اثر موضوعات مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در سه حوزه ذکرشده بررسی کرده‌اند. این اثر که مجموعه‌ای از آرای برخی از متخصصان شبه‌قاره است به بررسی آینده روابط ایران و هند نیز می‌پردازد و روابط ایران-هند را فراتر از روابط دوجانبه دولت‌ها و نمونه روابط تمدن‌ها ذکر می‌کند.

چارچوب نظری

جهانی‌شدن در روابط بین‌الملل گستردگی و پیچیدگی بسیاری دارد که اکثر پژوهشگران قائل به آن در بخش مفهوم، ابعاد، ابزار، روش‌ها و پیامدها هستند. جهانی‌شدن به‌عنوان یک واژه علمی تا اوایل دهه ۱۹۸۰ در محافل علمی دانشگاهی چندان به رسمیت شناخته نمی‌شد و تنها در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ بود که اعتبار علمی پیدا کرد. (نوازی، ۱۳۸۲: ۴) (یوسفی جویباری و محمدی فر، ۱۳۹۰: ۲۳) امروزه حجم تنوع استفاده از این مفهوم به‌اندازه‌ای افزایش یافته که «اصطلاح جهانی‌شدن که در ۱۹۹۰ تنها در ۲۰ مورد در متون علوم اجتماعی به چشم می‌خورد، در سال ۱۹۹۸ به بیش از ۲۰ هزار مورد افزایش یافت.» (رمضان‌زاده و مسعودی، ۱۳۸۸: ۱۱۱) کاربرد این واژه در این مدت اندک به‌اندازه‌ای بالا رفت که رابرتسون می‌نویسد: «ردیابی نحوه انتشار آن در سراسر جهان ناممکن است.» (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۳۹) همچنین جهانی‌شدن بسیار پیچیده‌تر، نامتمرکزتر و غیرقابل مهارتر از آن است که بتوان ادعای کنترل آن را کرد. (گیدنز، ۱۳۷۹: ۴۰) (Hagget, 2001: 578)

جهانی‌شدن یعنی رشد، گسترش و تنوع در شکل‌های نهادهای بین‌المللی که سطوح جهانی، منطقه‌ای، ملی، فروملی و محلی را دربرمی‌گیرد. (Beck, 2000: 68-69) در حقیقت جهانی‌شدن نوعی توزیع حلقه‌ای و غیر ساختاری اندیشه، کالا و

غیره است. (Salzano, 2003: 45) تعریف‌های عرضه‌شده از جهانی‌شدن تنوعی چشمگیر یافته‌اند: «فشرده‌گی جهان»، «وابسته‌تر شدن بخش‌های مختلف جهان»، «افزایش وابستگی و درهم تنیدگی جهانی»، «فرایند غربی کردن و همگون سازی جهان»، «ادغام همه جنبه‌های اقتصادی در گستره‌ای جهانی»، «پهن‌ور شدن گستره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کنش‌های اجتماعی»، «کاهش هزینه‌های تحمیل شده توسط فضا و زمان» (گل محمدی، ۱۳۹۳: ۱۹) همگی از نمونه‌های تعاریف ارائه‌شده درباره جهانی‌شدن هستند. از دید شِفر، جهانی‌شدن عبارت است از یکپارچگی جهانی سیاست‌های حکومتی، فرهنگ‌ها، جنبش‌های اجتماعی و بازارهای مالی از راه بازرگانی و تبادل اندیشه‌ها. (Shefer, 2005: 60) در تعریفی دیگر، جهانی‌شدن عبارت از تمایل و تعلق خاطر نسبت به دستاوردها، عناصر و مؤلفه‌های علمی، فناوری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراملی یا جهانی خوانده شده است. (ساروخانی و بابایی فرد، ۱۳۹۱: ۵۴)

۱. ابعاد جهانی‌شدن

ایده جهانی‌شدن برای کشورها فرصت‌ها و چالش‌های فراوانی به همراه دارد. از این رو، در ادامه به شرح برخی آثار فراگیر جهانی‌شدن خواهیم پرداخت.

۱-۱- کمرنگ شدن مرزها و پیوند جریانات بین‌المللی و داخلی

جهانی‌شدن فرآیندی است که در طی آن حوزه‌های گوناگون فنی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ملل مختلف با گسترش ارتباطات، جنبه فراملی یافته و به موجب آن، دولت‌های ملی به گونه فزاینده‌ای به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌شوند و همین وابستگی و ارتباط است که برای مفهوم حاکمیت ملی و دولت ملی فرصت‌هایی می‌آفریند و البته گاه مشکلاتی درست می‌کند. (یوسفی جویباری و محمدی فر، ۱۳۹۰: ۲۳)

جهانی‌شدن و تحول مفهوم مرز و فروریزی مرزها، سرزمین‌زدایی، مکان‌زدایی و افول حاکمیت ملی، از جمله پیامدهای سیاسی-امنیتی فرایند جهانی‌شدن به شمار



می‌روند. برخلاف گذشته که مرزهای بین‌المللی خط حائل سیاست داخلی و خارجی کشورها به شمار می‌آمدند و سامانه‌های سیاسی حاکم از استقلال و آزادی عمل بیشتری در این عرصه برخوردار بودند، «فروریزی مرزهای ملی میان دولت‌ها منجر به درهم آمیختن تهدیدات داخلی و خارجی و حتی مهم‌تر از آن، منجر به ورود تهدیدات و بحران‌های امنیتی خارج از مرزهای ملی به درون کشورها می‌شود. کاپلان بر این باور است که فروپاشی حاکمیت داخلی (ملی) می‌تواند به یک دردسر امنیتی منطقه‌ای تبدیل شود و اقتدار دولت-ملت‌ها در برابر مراکز اقتدار فراملی رنگ ببازند.» (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۱)

این تهدید در وجه حداکثری خود-چنانچه با قدرت نفوذ کند، می‌تواند اصل و بنیان ملی‌گرایی را به عنوان ایدئولوژی سیاسی حاکم بر جوامع، زیر سؤال برده و با رد مشروعیت آن‌ها، موجب فروپاشی دولت‌های ملی شود و در وجه حداقل خود، چنانچه با مقاومت مؤثری روبرو شود، دست کم می‌تواند تغییراتی در ساختار سیاسی و نظم حاکم بر جوامع موجود ایجاد کرده و به نفع سازمان‌ها و گروه‌های نوین، موجب جانشینی (یا تغییر جریان) قدرت گردد. (نوازی، ۱۳۸۲: ۱۰۲-۱۰۳) لش و یوری معتقدند که جهانی‌شدن در روند خود موجب تحلیل رفتن جوامع مبتنی بر دولت ملی و در نتیجه، نابودی آن‌ها خواهد شد و به هفت مورد از جمله، زوال کلی حاکمیت دولت، ظهور موجودیت‌های جدید سیاسی-اجتماعی-مکانی و توسعه اقدامات فراملی اشاره می‌کنند. (Lash, Urry, 1987: 27-156)

سیموندز نیز معتقد است که «واقعیت موجود شهرهای جدید که با تمایلات جهانی عجین شده‌اند، اشکال جدیدی از حکومت را طلب می‌کند.» (Simmonds, 2000: 3). با این همه، نباید فراموش کرد که جهانی‌شدن برای نخستین بار اجازه رهایی از بندهای مشترک و دسته‌جمعی، و ملی را می‌دهد. همچنین رهایی از سامانه بسیار خشک و سنگین پشتیبانی پدرسالارانه دولت را فراهم می‌کند. جهانی‌شدن

همچنین رهایی از موقعیت تغییرناپذیر ضد امپریالیستی، و درک واقعیت‌های فضای پسااستعماری از جمله مسائل جنسیت و اقلیت‌ها را ممکن کرده است. (Jameson & Miyoshi: 1998: 204)

۱-۲- تکثر بازیگران و کارگزاران

جهانی شدن با ایجاد فضای جدید، موجب حذف یا کاهش نقش انحصاری دولت در بسیاری از عرصه‌ها شده است. این کاهش نقش، با رشد نقش بازیگران غیردولتی و کارگزارانی جدید هم‌زمان شده است. این بازیگران جدید و بیشتر مردمی، در داخل و خارج دولت‌ها فعالیت‌هایی را آغاز کرده‌اند که در غیرازاین فضا، نمونه‌های کمتری از آن‌ها دیده می‌شد. ظهور بازیگران جدیدی از جمله سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی، موجودیت‌های سیاسی جدیدی از جمله بازیگران غیردولتی، گروه‌ها و هویت‌های مستقل در همه ابعاد خصوصاً اقتصادی را می‌توان نمونه‌های این اثرپذیری دانست (گلستانی، ولی‌پورلندی، ۱۳۹۵: ۲).

۱-۳- ابزار نوین قدرت

قدرت اصلی‌ترین مفهوم در جهان سیاست است که تحول آن، تحول جهان سیاسی را در پی داشته است. تقسیم قدرت به قدرت سخت و نرم، در عرصه جهانی شدن شکل گرفت. قدرت نرم، به دلیل تحول در بستر ماهیت سیاست‌های بین‌الملل و تغییر منابع قدرت مورد توجه قرار گرفته است. «درواقع تحول بستر قدرت در سیاست بین‌الملل موجب شده تا قدرت از خاستگاه اصلی خود تغییر مکان داده و جوامع نیز قدرتمندی را نه در گروی منابع صرفاً مادی، بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر به شمار آورند. این بعد از قدرت، چهره دوم قدرت و یا قدرت نرم خوانده می‌شود که محصول و برآیند کسب اعتبار بین‌المللی و تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران است.» (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

دوم اینکه، قدرت نرم «بیشتر پیرامون امور نامحسوس و ناملموسی همچون جاذبه‌های فرهنگی، شخصیتی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و جذابیت سیاست‌هایی که



مشروعیت دارند؛ بحث می‌کند.» (Nye, 2004: 6)

سوم آنکه، «قدرت نرم دولتی نیست و منابع قدرت نرم بیرون از کنترل دولت‌ها است» (Nye, 2004: 106). به این ترتیب، اگرچه دولت‌ها می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند، اما دولت‌ها تنها بازیگرانی که به این قدرت دسترسی دارند نیستند. یعنی قدرت نرم مردمی و غیررسمی و غیردولتی است. پس به همین دلیل میزان حساسیت در این حوزه از قدرت به مراتب کمتر از حوزه قدرت سخت است. چهارم آنکه، «قدرت سخت مستقل از مؤلفه‌های محیطی تعریف می‌شود؛ درحالی که قدرت نرم پدیده‌ای اجتماعی و مرتبط با مؤلفه‌های محیطی است.» (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۹) ویژگی بعدی، تمرکز قدرت سخت بر منابع مادی است که در قدرت نرم برعکس و تکیه بر سرمایه اجتماعی است. (Nye, 2004: 29-6): قدرت نرم کشورها از سه منبع نشأت می‌گیرد: فرهنگ (بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که با افکار عمومی داخل و خارج منطبق باشد)، و سیاست خارجی (زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی شود). (Nye, 2005: 12)

با توجه به تحولات شگرف علمی و فناوریانه در جهان و روی کار آمدن ابزار و مؤلفه‌های نوین در عصر جهانی‌شدن و عصر اطلاعات، تکیه و تمرکز بر قدرت نرم و به کارگیری آن به دلایل بسیاری می‌تواند مفیدتر باشد. قدرت نرم به دلیل جذابیتی که دارد، همواره از حساسیت کمتری برخوردار است. این موضوع به ذات قدرت نرم و نیز ابزار آن برمی‌گردد. فارغ از حساسیت کمتر که فضای بسیار مناسبی برای اثرگذاری به وجود می‌آورد، باید موضوع کم‌هزینه‌تر بودن را هم یادآور شد. قدرتی که از راه‌های نرم و همراه با مشروعیت موردپذیرش قرار گیرد، افزون بر اثرگذاری بیشتر، هزینه کمتری نیز دارد. این موضوع در نوع خود امتیاز بالایی به شمار می‌آید. چراکه تهدید و تطمیع مادی که عامل آن وجود داشته باشد، تعیین‌کننده رفتار خواهد بود و این هزینه سنگینی بر اعمال‌کننده قدرت در قالب

سخت آن بار می‌کند. پس با این ویژگی‌ها، می‌توان مؤلفه‌هایی را شناسایی کرد و آن‌ها را در راستای قدرت آفرینی یا بازدارندگی از طریق جاذبه آفرینی به کار گرفت.

تفاوت‌های قدرت سخت و نرم

قدرت	منبع	حساسیت	مخاطب	ابزار	اثرگذاری	محیط	پویایی	پذیرش	هدف/نتایج	دوام
سخت	دولتی رسمی	زیاد	عرصه عمل محدود	سخت و اعمالی	کم دوام	مستقل	عدم پویایی	اجباری	کوتاه مدت	تحت فشار
نرم	غیردولتی و مردمی	کم	عرصه عمل باز	نرم و ارادی	طولانی مدت	وابسته	پویایی ذاتی	ارادی	بلندمدت	نهادینه شده

ترسیم نگارندگان

۱-۴- تغییر فضای بین‌المللی

تحت تأثیر رشد فناوری، به‌ویژه در بعد ارتباطی و رسانه، فضای سیاسی بین‌المللی هم دچار تغییر شده است. حجم انبوهی از اطلاعات از سراسر جهان روزانه مبادله می‌شود که تقریباً تحت کنترل هیچ دولتی نیست. رشد پیوند فزاینده^۱ از جمله ویژگی‌های این وضعیت است. «این رشد به‌وسیله به‌کارگیری فزاینده وسایل ارتباطی مانند موبایل، شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی و رسانه‌ها، فرایند پیوند فزاینده را تسریع کرده است. پیوند فزاینده در حال بازتعریف روابط میان افراد، دولت‌ها، سازمان‌ها، مصرف‌کننده‌ها و ... است. شفافیت فزاینده در حال طرح فرصت‌هایی برای ارتباطات بهتر و عرضه گسترده‌تر محصولات و خدمات و حتی اطلاعات است.» (World Economic Forum and INSEAD, 2012) در این فضا، بسیاری از پویایی‌های داخلی و بین‌المللی به هم متصل می‌شوند و فضای درهم‌تنیده‌ای را پدید می‌آورند. نکته یا ویژگی دیگری که تحت تأثیر ویژگی اول به دست می‌آید، اصل

شفافیت فزاینده^۱ است. در این فضا شفافیت به مانند شاخصی برای سنجش امنیت و سلامت دولت‌ها در درون و بیرون تلقی می‌شود. به این ترتیب که هراندازه این شفافیت بیشتر باشد، سلامت و امنیت دولت بالاتر خواهد بود. این در حالی است که این شفافیت محدودیت‌هایی برای دولت‌ها درست می‌کند. محدودیت‌های اجرایی مانند شفافیت، مسئولیت، نمایندگی و رعایت اصل برخورد علمی. (Rodrik, 2012: 401) نکته مهم دیگری که در تغییر فضای بین‌المللی باید مورد توجه باشد، اصل فضای رقابتی-همکاری جویانه^۲ است. این اصل به فضا و شرایطی اشاره دارد که در آن دست کم دو طرف اصلی وجود دارد و طرفین با آگاهی از منافع خود، تن به همکاری رقابتی برای تحصیل منافع بیشتر می‌دهند. این در حالی است که هر دو از شرایط یکدیگر مطلع هستند و آگاهانه وارد این همکاری می‌شوند. (OKURA & Carfi, 2014: 6-9) در این شرایط دولت‌ها نمی‌توانند و نباید به شکل جزیره‌ای رفتار کنند.

جهانی‌شدن و تحول دیپلماسی

با توجه به تحولات ناشی از جهانی‌شدن در عرصه‌های گوناگون و از جمله سیاست و دیپلماسی، کنشگری دولت‌ها در این عرصه نیز متحول شده است. دیپلماسی از حالت سنتی خود رها شده و قالب غیررسمی و غیرسیاسی نیز پیدا کرده است. این موضوع نه به معنی پایان عصر دیپلماسی موجود، و نه به معنی کاملاً غیرسیاسی بودن دیپلماسی نوین است. عصر تازه، طیف بیشتری از موضوعات و بازیگران را که غیردولتی نیز هستند، چه در درون و چه در بیرون، دربرمی‌گیرد. دیپلماسی در این دوره از محرمانگی کمتری برخوردار شده و مردم تحت تأثیر آسانی ارتباطی موجود بیش از پیش درگیر این موضوعات شده‌اند. همچنین دولت‌ها

-
1. Hyper transparency
 2. Coopetition



اینک به شکل درهم تنیده‌ای باهم در ارتباط‌اند.

اهمیت مردم در دیپلماسی، منجر به شکل‌گیری دسته‌ای از دیپلماسی به نام دیپلماسی شهروندی^۱ و دیپلماسی مسیر دو^۲ شده است. دیپلماسی شهروندی همچنان که از نامش پیداست، بر درست شدن فهم مشترک و همکاری میان مردم از ملت‌های گوناگون از راه تماس شخصی و مستقیم تمرکز دارد. (McDonald, 117: 2007) مک دونالد که خود مبدع این مفهوم است، دیپلماسی شهروندی و مسیر دو را یکسان می‌داند. دیپلماسی تک‌به‌تک، و گروه‌های کوچک به گروه‌های کوچک، موضوعاتی که دولت‌ها نمی‌خواهند و یا از انجام آن هراس دارند را در برمی‌گیرد (McDonald, 2006: 4) و یا می‌تواند زمینه ارتباط میان جوامع در حوزه‌هایی که دولت‌ها توان بازیگری ندارند را فراهم آورد. مردم امروزه با ابزار ارتباطات حاصل از جهانی‌شدن می‌توانند به راحتی و به‌دوراز اراده دولت‌ها، به‌طور مستقیم باهم ارتباط بگیرند.

تأثیر جهانی‌شدن بر دیپلماسی

	نوع	موضوع	بازیگر	محرمانگی	ابزار	بازیگری
دیپلماسی سنتی	رسمی سیاسی	سیاست‌ها اعلی و سخت	دولت‌ها	محرمانه	قدرت سخت	مستقل و منفعت محور
دیپلماسی جدید	غیررسمی، غیرسیاسی	موضوعات نرم، فرهنگی	سازمان‌ها و بازیگران غیردولتی	غیر محرمانه	قدرت نرم	درهم تنیده و جمع محور

ترسیم نگارندگان

۱- جهانی شدن و همگرایی

تصور فراگیری میان تحلیلگران و دانشگاهیان حوزه سیاست وجود دارد که جهانی شدن به طور سنتی به همگرایی در سیاست های داخلی و خارجی در بخش های ایمنی و سلامت مصرف کننده، بهداشت و سلامت نیروی کار، محیط زیست، امنیت و ... می انجامد؛ خواه منشأ ایدئولوژیک و خواه اقتصادی داشته باشد. همچنین، اینکه دولت ها به عنوان عناصر مانع جهانی شدن عمل کنند یا اینکه تحت تأثیر ساختار غالب و مسلط آن قرار بگیرند و در نقش تسهیل کننده عمل کنند، در هر صورت، این جریان به راه خود ادامه خواهد داد (Drezner, 2001: 55). همگرایی را می توان از دو منظر متفاوت هدف و فرایند واکاوی کرد و از سویی دیگر آن را محصولی خودخواسته و یا همراه با زور و اجبار تلقی نمود. (امام جمعه زاده و فیروزی، ۱۳۸۶: ۳) بنابراین باور، دو نتیجه کلی می توان گرفت که در یک نکته، و آن هم تداوم این جریان، مشترک هستند. نظریه همگرایی بر این فرض استوار است که منافع مشترک اقتصادی و فنی، زمینه ساز همکاری میان کشورها می شود، این نظریه در شکل اغراق آمیز خود استدلال می کند که باوجود تغییری که این چنین در فضای اقتصادی رخ می دهد، امکان بروز جنگ میان کشورها به شکل چشم گیری کاهش می یابد. (Clark, 1983)

با ارائه این چارچوب نظری در زمینه اهمیت جهانی شدن در افزایش همگرایی ها و شکل دهی به روابط میان دولت ها، برای نام بردن از برخی عواملی که موجب رشد همگرایی ایران با هند در دوران پساجنگ سرد شده اند، می توان از ماهیت تک قطبی نظام بین الملل، نیازمندی هند برای تعدیل قدرت پاکستان در جهان اسلام، گسترش روزافزون اهمیت ژئوپلیتیکی آسیای میانه، و نیازمندی به تقویت روابط اقتصادی و بازرگانی نام برد (pant, 2008: 115) در زیر با تفصیل بیشتر به این موضوعات پرداخته شده است.

مهاجرت به هند، با آریایی‌ها و در زمان جمشید، پادشاه باستانی ایران آغاز شد. او از اورمزد فرمان یافت تا بر روی زمین پادشاهی کند و به افزایش مردم و چهارپایان پردازد. قبیله‌های هندوایرانی، از این دوران به‌سوی سرزمین‌های گرم‌تر جنوبی مهاجرت کردند. گروهی تصمیم گرفتند به‌سوی فلات ایران و آسیای صغیر بروند؛ عده‌ای در این منطقه جای گزیدند و بخشی دیگر به‌سوی شمال هند و سرزمین‌های گرم و فراخ هند و پاکستان امروزی رفتند. (Stein, 2010: 9) در میان شاخه هندی، زبانی رواج یافت که همان زبان سانسکریت باستان است. به‌مرور و پس از گذشت صدها سال، این زبان در میان طبقه گزیده و خاص هند رواج یافت و زبان عامه مردم، به نام پاراکریت، از آن اشتقاق پیدا کرد. (فلاح، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

در میان مردم و نژادهای بسیاری که با زندگی و فرهنگ مردم هند تماس پیدا کرده‌اند، قدیمی‌ترین و مداوم‌ترینشان ایرانیان بوده‌اند. (نهر، ۱۳۶۱: ۲۴۷) دست کم از دوره ورود آریایی‌ها به شبه‌قاره، حوزه‌های متنوعی از فرهنگ، هنر، ادبیات و معماری هم‌زمان در میان دو ملت به شکوفایی رسیده است.

پس از ورود اسلام به ایران، عارفان که اغلب ایرانی تبار بودند، اسلام را تا نقاط دوردست هند رساندند. برای نمونه، شهر مولتان در زمان شیخ بهاءالدین زکریا، مرکز مسلمانان در شبه‌قاره شد. نخستین کتاب عرفانی به دست علی بن عثمان هجویری صاحب کشف‌المحجوب در هند نوشته شد و تصوف در چهار سلسله چشتیه، سهروردیه، قادریه، و نقشبندیه نمود پیدا کرد. (ولایتی، ۱۳۹۰: ۹۳۶) امروزه نیز اثر حضور صوفیان هند در قرائت اسلام مبتنی بر زیست مسالمت‌آمیز هندی‌ها دیده می‌شود و نگرانی صاحبان حکومت در هند از افراط‌گرایی دینی، از عواملی است که می‌تواند این کشور را به ارتباطات فرهنگی مستمر مسلمانان هند با ایرانیان که ریشه‌های فلسفی مشترکی دارند، سوق دهد.

مؤلفه‌های مشترک ایران و هند در طول تاریخ حوزه‌های هنر، زبان، ادبیات،



دین، سامانه سیاسی، و اساطیر مشترک را در برمی گیرد. (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۸۹: ۷۶-۸۶) در کنار عارفان، شاعران و اهل تصوف، حکما، عالمان دینی، نقاشان، خوش‌نویسان و دانشمندان تأثیر نا‌زدودنی در فرهنگ و تمدن هند برجای گذاشته‌اند. در طول سال‌های همسایگی دو تمدن، روابط بر پایه دوستی و حسن هم‌جواری ناشی از تمایلات فرهنگی مشترک، غالب بوده است. برای نمونه «در زمان صفویان، هند و ایران در کنار هم علیه دشمن‌های مشترک خود ازبک‌ها و عثمانی‌ها متحد شده بودند. در این شرایط شاه اسماعیل می‌توانست در هنگام نیاز از پشتیبانی مغولان هند برخوردار شود و یا خطبه‌ای که به نام دوازده امام خوانده و یا سکه‌ای که با نام پادشاه صفوی (در میان حکومت‌های محلی متمایل به ایران) ضرب شده است، همه از نزدیکی دو جامعه خبر می‌دهند.» (Haider, 2001: 34-37)

امروزه جمعیت در حدود ۲۰۰ میلیون نفری مسلمانان هند که حدود ۲۱ تا ۳۸ درصد آن را شیعیان تشکیل می‌دهند (Rizvi, 2017: 19) در روابط دوجانبه ایران و هند صاحب نقش هستند. تفسیر سیاسی و اجتماعی اسلام این جماعات تا حد قابل توجهی با تفسیر ایرانی آن همپوشانی دارد. مسالمت‌جویی، تسامح و تساهل، حسن هم‌جواری، علاقه‌مندی به اهل بیت پیامبر (ص) و ظلم‌ستیزی از جمله این عناصر بنیادی هستند. از این گذشته، حضور هفت‌صدساله زبان فارسی در هند، بر زبان‌های محلی این کشور تأثیر گذاشته، بخش قابل توجهی از ادبیات آن را وامدار خود نموده است.

در دوران معاصر نیز خاندان‌های ایرانی‌الاصل زیادی که از شهرهای گوناگون ایران همچون شیراز، اصفهان و ... به هند مهاجرت کرده‌اند، در این کشور زندگی می‌کنند. حضور این خانواده‌ها به‌ویژه در نوار مرزی شمالی هند و کشمیر، در پایتخت و همین‌طور بمبئی بیشتر به چشم می‌خورد. اینان گذشته از آنکه میراث‌دار گذشتگان خود که از بزرگان بوده‌اند و گاهی صاحب مزار هستند، توانسته‌اند ارتباط

خود را از دریچه دین، زبان، و فرهنگ و سنت‌های ایرانی با ایران حفظ کنند. «امروز نیز هند از اشتراکات فرهنگی و میراث تمدنی مشابه دو تمدن ایران و هند به عنوان عاملی برای ارتقای جایگاه خود به عنوان پلی برای پیوند دو گفتمان مسلط ایران و جامعه بین‌المللی استفاده می‌کند. از این رو هند می‌تواند نقش قاطعی در پیوند دادن اصول سیاست، فرهنگ و اقتصاد ایران با ارزش‌های جهانی داشته باشد.» (Tishehyar, 2011: 151)

۱-۲- مناسبات سیاسی

ساختار قدرت و نظام سیاسی بین‌الملل در هر دوره‌ای متأثر از عوامل و مؤلفه‌های بسیاری است که بر پایه آن، جایگاه کشورها مشخص می‌شود. در ساختار فعلی سامانه بین‌الملل، ایران و هند به دنبال تغییر منزلت خود هستند. در حوزه اقتصادی برآوردها نشان از این دارد که در سال ۲۰۲۰ هند پس از آمریکا و چین به سومین اقتصاد بزرگ جهانی تبدیل می‌شود که تأثیرات تازه‌ای در سیاست خارجی متحول شده این کشور خواهد داشت و فرصت‌های زیادی را برای سیاست خارجی ایران نیز به همراه می‌آورد. در چنین فضایی است که ایران از توسعه و تبدیل هند به یک قدرت آسیایی و جهانی پشتیبانی می‌کند. اقتصاد هند به دلیل مجاورت با ایران و گسترش رقابت هند با چین در منطقه شرق آسیا، تکامل یک موقعیت بکر اقتصادی برای پیوند دادن شرق آسیا به غرب آن از یکی از دو محور راهگذر شمال - جنوب یا جاده نوین ابریشم خواهد بود که در این محور بازی‌سازی ایران در میان هند و چین به تکامل نقش اقتصاد سیاسی ایران منجر می‌شود.

هند به دنبال این است تا بتواند از توان اقتصادی خود در عرصه سیاسی نیز استفاده کند. از سوی دیگر، ایران نیز نسبت به ساختار موجود در سامانه بین‌المللی و برخی اصول آن، به‌ویژه حق و تو و نظام شورای امنیت اعتراض دارد. ایران و هند در این نقطه به هم پیوند می‌خورند؛ اگرچه هند را می‌توان به عنوان بازیگر تجدیدنظرطلب میانه‌رو دانست، چرا که به دنبال تغییر منزلت خود است و حال آنکه



ایران به دنبال تغییر ساختار هم هست که از این رو می‌توان آن را یک کشور تجدیدنظرخواه انقلابی نامید. با این همه، در سال‌های اخیر بازیگری ایران در چارچوب بازیگر خردگرا و حسابگر قابل تفسیر است که علاقه‌مند است تا اهداف خود را همانند هند در چارچوب نظم موجود و با توجه ویژه به ظرفیت‌های قدرت ساز خود دنبال کند.

تحولات جدید در دو سطح قاره‌ای و بین‌المللی، سقف آرزوی هند را تا عضویت دائم در شورای امنیت بالا برده است. تقلای هند برای دستیابی به این مهم، با صف‌آرایی رسمی و غیررسمی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای پیرامونی همراه شده است. در اینجا قدرت بازیگری ایران به‌خودی‌خود و بدون تحمیل هزینه اضافی افزایش می‌یابد. (سازمند و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۶) پیوستن احتمالی این کشور به جمع اعضای دائم در شورای امنیت، افزون بر مزیت‌هایی که در تقویت جایگاه راهبردی هند در آسیا و جهان خواهد داشت، فرصت تازه‌ای را برای ایران به‌منظور تبادل نظر، گفتگو و تعقیب اقدامات مسالمت‌جویانه برای رفع آنچه اقدامات یک‌جانبه غرب درباره ایران نامیده می‌شود، فراهم خواهد کرد.

ایران واجد ویژگی‌های منحصربه‌فرد گفتمانی-ایدئولوژیکی برای بازتعریف نظم جهانی است که در غیاب توانمندی کامل در جهت روندسازی فکری، می‌تواند با پشتیبانی از ورود بازیگران جدید در عرصه سیاسی بین‌المللی، از یک‌تازی آمریکا به‌طور خاص و غرب جغرافیایی به‌طور عام، بکاهد تا عرصه بر تمدن‌های شرق که دارای ویژگی‌های هویتی و تا حدود کمتر، فکری متشابه با هویت ایرانی هستند، گسترده‌تر شود. حضور و کنشگری روبه افزایش هند در این مسیر، امکان شنیده شدن چندصدایی را از تریبون‌های بین‌المللی افزایش داده و مادامی که سیاست مستقلی از سوی هند پیگیری شود، آسیب سیاست‌های اعلامی غرب علیه ایران کمتر می‌شود. (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۹)

امروزه انرژی به عنوان جزء جدایی ناپذیر رشد اقتصادی و اقتصاد پایدار شناخته می شود. انرژی دیگر صرفاً یک عنصر اقتصادی نیست؛ بلکه در جهان سیاست هم آثار و پیامدهای بسیار جدی دارد. جهان سیاست به دنیای اقتصاد پیوند خورده و درهم تنیدگی خاصی پیدا کرده است. از این رو انرژی و به ویژه نمونه های موجود فسیلی و تجدیدناپذیر آن، در بسیاری از موارد یک کالای استراتژیک و سیاسی تلقی می شود؛ به طوری که تا حد بالایی می تواند منشأ قدرت تلقی شود. «این اهمیت هم زمان با توسعه اقتصادی قدرت های بزرگ مانند کشورهای عضو بریکس بیش از پیش اهمیت یافته و ابعاد آن رفته رفته از یک مسئله فنی و تکنولوژیک وارد امور سیاسی و گاه امنیتی شده است.» (Wagay, 2015:13)

نقش انرژی در اقتصاد ملی و نیز در اقتصاد بین المللی را می توان با درک محدودیت امکانات و منابع انرژی تجدیدناپذیر و به ویژه نفت و گاز تبیین نمود. این کمبود در اقتصاد صنعتی شده هند به یک نقطه ضعف تبدیل شده است. تقاضای روزافزون انرژی در این کشور، تلاش برای رفع این نقص که ابزار اصلی تداوم رشد چشمگیر اقتصادی هند به شمار می رود را ضروری کرده است. با تغییر ژئوپلیتیک انرژی و تبدیل چین و هند به دو مصرف کننده بزرگ انرژی، این کشورهای آسیایی به مهم ترین مصرف کنندگان نفت و گاز خلیج فارس تبدیل خواهند شد. پیش بینی می شود تا سال ۲۰۳۰ تقاضا برای انرژی به میزان ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. (شریعتی نیا و توحیدی، ۱۳۹۳: ۱۴۶)

از سوی دیگر، هند با زیرساخت ناکارآمد، به روز نشده و ناکافی روبه رو است که به گفته وزیر اقتصاد این کشور، برای بهبود آن سرمایه گذاری ۶۴۶ میلیارد دلاری در ۵ سال آینده نیاز است. (The Hindu, 2017) موانع سرمایه گذاری در بخش زیرساختی، به ویژه در تأمین منابع مالی، هند را وادار به ادامه مسیر سنتی پیشین و همکاری با کشوری مانند ایران می کند. البته نباید چنین انگاشته شود که در این



عرصه هند فضای بازیگری چندان گسترده‌ای ندارد، چراکه هند با توجه به وجود کشورهای دیگر تأمین‌کننده انرژی در حوزه خلیج فارس، به دنبال تنوع بخشی به منابع خود است.

در این میان، از یک سو ایران جزو معدود کشورهایی است که هم‌زمان ذخایر قابل توجهی از نفت و گاز جهانی را در اختیار دارد و از سوی دیگر، بیشترین حجم واردات هند با ۳۴٪ نفت خام است که آن را سومین کشور واردکننده این انرژی کرده است. افزون بر این، بیشترین حجم بازرگانی صادراتی هند با ۲۰٪ به مشتقات نفت، گاز و محصولات پالایشگاهی برمی گردد که در عمل نوعی تکرار و کلیشه اجتناب‌ناپذیر را برای تداوم روند بازرگانی هند با کشورهای صاحب منابع کربنی چون ایران را نشان می‌دهد. (امراللهی، ۱۳۹۶: ۱۲)

در این حوزه نیز ایران و هند پرونده‌های مشترکی داشته‌اند که نشان‌دهنده توان اثرگذاری بالای انرژی بر روابط دو کشور است. در پرونده تأمین گاز هند، یکی از طرح‌های موجود، خط لوله صلح است که نه تنها می‌توانست نیازمندی‌های بلندمدت انرژی هند و پاکستان، دو کشور مهم همسایه ایران را برطرف سازد، بلکه امکان تأمین همیشگی صلح و کاهش تهدید تروریسم را از راه روابط متقابل پیچیده در حوزه انرژی و مشخصاً گاز فراهم می‌آورد. (Desai & Dormandy, 2008: 1-2)

هزینه این خط که گاز ایران را از راه پاکستان به هند منتقل می‌کند ۷۵۰۰ میلیون دلار پیش‌بینی شده است که مسیر ۲۳۰۰ کیلومتری را طی می‌کند. (Scott, 2011: 54)

با این وجود، اجرای قطعی این پروژه به علل گوناگون سیاسی، اقتصادی و امنیتی نیمه‌کاره مانده است.

بر این پایه، ایران و هند با توجه به همپوشانی بالا در حوزه اقتصادی می‌توانند نسبت به تعامل واقع‌گرایانه در این حوزه امیدوار باشند. در این بخش هند با توجه به هزینه‌بر بودن تغییر زیرساخت‌های انرژی خود، و نیز ایران به دلیل وجود برخی

کشورهای رقیب و البته مخالفت‌های جدی آمریکا مبنی بر عدم شکل‌گیری همکاری دوجانبه ایران و هند؛ همچنان به همکاری با یکدیگر علاقه‌مند هستند. در عمل اگرچه رأی هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی تحت تأثیر فشار آمریکا رخ داد، اما این کشور در برابر فشار آمریکا برای کاهش خرید نفت از ایران مقاومت کرد و سرانجام در یک دوره زمانی، جزو استثناهای در نظر گرفته‌شده جای گرفت. (Rousseau, 2012: 1) افزون بر این، ارتباط با ایران برای هند به‌نوعی استقلال این کشور در برابر فشارهای آمریکا معنا می‌شود و این کشور را از اتهام اسلام‌ستیزی و ناسیونالیسم تندروان نیز رهایی می‌دهد که برای متصدیان سیاست خارجی این کشور در فضای داخلی دارای اهمیت است. (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۵-۱۳۴)

۱-۴- مناسبات امنیتی

طبق ارزیابی‌ها تا سال ۲۰۴۰ تروریسم به‌عنوان یک عامل پایدار در فضای نظام بین‌الملل باقی خواهد ماند. تروریسم بر مبنای تعریف هند، چه در بعد خارجی همان‌گونه که القاعده همچنان به طرح‌ریزی حملات تروریستی در خاک هند دست می‌زند (تینکس، ۱۳۹۳) و تهدید گروه‌هایی که خود را منتسب به داعش دانسته و ادعای خاک هند را دارند، و چه در بعد داخلی مانند برخی گروه‌های جدایی‌طلب کشمیری، گروه‌های فعال و متأثر از تفکرات مائوئیستی ناکاسالیت، شورشیان تامیلی و جدایی‌طلبان آسامی همه می‌توانند تأثیرات منفی بر روند توسعه اقتصادی هند داشته باشند و حتی شرایط را برای تبدیل شدن هند به یک قدرت بین‌المللی با چالش روبه‌رو کنند. هند برای رویارویی با این تحركات، تلاش‌های بین‌المللی قابل‌توجهی در پشتیبانی از کنوانسیون سازمان ملل متحد در رابطه با تروریسم و قطعنامه ۱۵۴۰ به‌ویژه در زمینه محکومیت و محدودیت تروریسم هسته‌ای انجام داده است. (Pal Singh Sidhu, 2016: 23)

در سال‌های گذشته، منافع مشترک ایران و هندوستان در افغانستان در دوران به قدرت رسیدن طالبان در این کشور که با حمله ناتو پاسخ داده شد، منجر به پدید



آمدن نگاه مشترکی در پشتیبانی از اتحاد شمال افغانستان در برابر تروریسم طالبانی در دو کشور شد. با توجه به پایدار ماندن حضور طالبان در بخش‌های گسترده‌ای از افغانستان و مخالفت دو کشور با ایده تقسیم تروریسم به خوب و بد، (Siddiqui, 2010: 4-5) این نگاه مشترک می‌تواند به نتایج ملموس‌تری در برخورد با تروریسم منجر شود. (Pal Singh Sidhu, 2016: 23) از سوی دیگر، بنیادگرایی اسلامی سلفی و گسترش وهابیت که ایران و هند را اولی به‌عنوان یک کشور شیعی و به‌اصطلاح «رافضی» و دومی کشوری غیراسلامی و به‌اصطلاح «کافر» تحت تأثیر خود قرار داده و به دنبال آن، بمب‌گذاری و حملات انتحاری را حتی علیه غیرنظامیان شکل داده است، حس تنفر مشابهی را در میان عموم مردم دو کشور تقویت نموده که به نگرانی مشترک مقامات دو دولت و تقویت همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی تسری می‌یابد. (Hathaway, 2014: 14)

در این رهگذر و درحالی که هند خود را در برابر آسیب‌های تروریسم شکننده می‌یابد، (کولایی و ایمانی کله‌سر، ۱۳۹۱: ۲۱۳) ایران در برابر گروه‌های تجزیه‌طلب داخلی همچون پژاک و جیش‌العدل و در مقابل نفوذ شبکه‌های تروریستی بین‌المللی همچون داعش با رصد دقیق و اطلاعات به‌روز، خود را از گزندهای احتمالی این چنین گروه‌هایی تا حد زیادی مصون داشته و می‌تواند به هند در شناسایی و برخورد با گروه‌های تروریستی کمک شایان توجهی کند. در عوض، هند نیز با بهره‌گیری از فناوری‌های بومی و جهانی به‌روز که در پی تهدیدهای مکرر به ترور و حملات انتحاری و بمب‌گذاری از سوی این گروه‌ها، توسعه و تکامل یافته، دستاوردهایی داشته است که می‌تواند در انتقال آن فناوری‌ها با ایران همکاری کند.

۱-۵- مناسبات علمی و فناورانه

یکی از مؤلفه‌هایی که در بستر جهانی‌شدن و تعامل فزاینده دولت‌ها زمینه همکاری ایران و هند را تقویت می‌کند، مقوله اقتصاد دانش‌بنیان است که تجربه و

پیشرفت هند در این عرصه، منبع قابل اتکایی به شمار می‌رود. هند در انجام اصلاحات خود به‌طور جدی به اقتصاد دانش‌بنیان توجه داشته است. از آنجا که الگوی عملیاتی اقتصاد دانش‌بنیان با اقتصادهای سخت تفاوت جدی دارد، این الگو تا حد زیادی نیازهای هند را مرتفع می‌کند. این در حالی است که هند به ایجاد رابطه با کشورهایی که دارای سطوح عالی علمی و تکنولوژی هستند نیز توجه داشته است.

هم‌زمانی گردش هند به بخش خدمات و علوم دانشی با انقلاب فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، زمینه شتاب هرچه بیشتر این کشور در توسعه اقتصادی آن را فراهم آورده است؛ تا جایی که از آن به‌عنوان پیشتاز برون‌سپاری^۱ در حوزه خدمات نام برده می‌شود. (Manoj, 2007: 275) هند با به‌کارگیری سیاست‌های اقتصاد دانش‌پایه، توانسته بسیاری از محدودیت‌های تحمیلی بین‌المللی را کنار زده و محصولات خود را عرضه و در عرصه بین‌المللی نقش آفرینی کند. هند توانسته خود را به‌عنوان یکی از قطب‌های اقتصادی برتر و قدرت‌های اقتصادی نوظهور به جهان معرفی کند. هند در سال‌های اخیر از نظر صنعت و کشاورزی و نیز در بهره‌برداری از انرژی اتمی و خورشیدی پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است. (میرزایی و گلستانی، ۱۳۹۶: ۷۳-۷۴)

سرمایه‌گذاری هند در سال‌های اخیر در بخش علم و فناوری به شکل قابل توجهی گسترش یافته است؛ همکاری‌های علمی هند در قالب کارویژه‌های مشخصی با کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته همچون آمریکا، ژاپن و کانادا در جریان است، اما بیش از دیگر کشورها، با اتحادیه اروپا به شکوفایی رسیده است. برای نمونه، در سال ۲۰۰۷ هند و اتحادیه اروپا در برنامه‌ای مشترک برای توسعه نانو تکنولوژی هر یک ۵ میلیون یورو سرمایه‌گذاری کردند که تا سال ۲۰۱۱ ادامه داشت. در برنامه مشابه دیگری دو طرف توافق کردند تا سالیانه همین میزان در



تحقیقات سرمایه گذاری کنند. (Krishna and Mishra, 2016: 10) در نتیجه این تحول زیربنایی، یک سوم درآمد این کشور در سال ۲۰۱۲ از حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات به دست آمده است. (فرجی راد و عبدی، ۱۳۹۴: ۶۸)

تمایل هند برای حفظ جایگاه خود و ارتقای آن، به تعامل بیشتر با کشورهای صاحب تکنولوژی و دانش روز وابسته است. بنابراین در صورتی که ایران بتواند جایگاه علمی خود را به طور کیفی افزایش دهد، به دلیل وجود همکاری های علمی طولانی مدت و روابط اجتماعی حسنه می تواند به طور جد از امکانات نرم افزاری هند استفاده نماید. با این وجود، فاصله قابل توجه نرم افزاری ایران، از این سرعت می کاهد. با توجه به اهمیت دانش های بنیادین در توسعه پایدار، ایران در آغاز می تواند از مدل های استفاده شده در هند بهره مند شود و با برگزاری آموزش های مشترک و یا فرصت های تحصیلی دانش محور برای احیای علمی و توسعه زیرساخت های به روز در عرصه های فناوری اطلاعات، بیوتکنولوژی، نانو تکنولوژی و علوم درون زا همت گمارد. به ویژه که در ایران نقشه جامع علمی به تصویب رسیده است و هم اکنون ۹ ستاد ویژه برای توسعه فناوری ها فعال هستند و ده ها پارک علم و فناوری درست شده که فاصله کشور را از کشورهای همسایه در این حوزه به خوبی نشان می دهد. (فرجی راد و عبدی، ۱۳۹۴: ۸۰-۷۹) شمار دانشجویان ایرانی در هند در حدود ۷۰۰۰ نفر تخمین زده می شود (Iran Daily, 2015) که تقریباً نیمی از آن ها در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا در حال تحصیل هستند و طبق برنامه های آیتک، شورای روابط فرهنگی هند^۱، طرح کلمبو و برنامه سازمان همکاری های منطقه ای حاشیه اقیانوس هند سالیانه ۶۷ بورس تحصیلی به دانشجویان ایرانی داده می شود (Ministry of External Affairs, 2012) و این امر به نوبه خود ظرفیت مناسب را برای فراگیری دانش های بنیادین و فناوری های روز برای انتقال به ایران را فراهم می آورد.

موقعیت جغرافیایی ایران امتیاز ترابری ویژه‌ای به این کشور داده است. موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران؛ که پهناوری، مرکزیت، تنوع مرزی و دسترسی به آب در شمال و جنوب مؤلفه‌های اصلی آن هستند، ایران را به شاهره اقتصادی و انرژی تبدیل کرده است. این موقعیت موجب شده تا ایران در اصلی‌ترین نمونه طرح‌های اقتصادی اخیر از جمله طرح راهگذر شمال- جنوب، در کنار طرح جاده ابریشم جدید یا -ابتکار کمربند و راه نقش آفرینی کند. طرح اول که یک فرصت اقتصادی و بازرگانی برای ایران است، توانسته مسیر کوتاه‌تر و کم‌هزینه‌تری را در ترابری بین‌المللی پیش‌بینی کند. بر پایه طرح دوم «کشورها به لحاظ اهمیت در سه لایه دسته‌بندی شده‌اند. در لایه نخست، کشورهای پیرامونی و همسایه چین از جمله کشورهای شرق، جنوب شرق و جنوب آسیا مانند پاکستان جای دارند؛ در لایه دوم کشورهای غرب آسیا و آسیای مرکزی مانند ایران و عربستان جای گرفته‌اند؛ و در مرتبه سوم کشورهای آفریقا و حوزه مدیترانه» جای دارند. (NDRC, 2015) موقعیت جغرافیایی ایران موجب شده که دست کم یک مسیر ترابری بری در این طرح از شمال ایران بگذرد. این مسیر تقریباً همه نوار شمالی کشور را می‌پیماید که افزون بر بحث بازرگانی خارجی، می‌تواند در بعد داخلی اقتصاد هم برای ایران مفید باشد. طی این مسیر از شمال ایران، شرق به غرب، پیوند چین با کشورهای دوردست در منطقه غرب آسیا را فراهم می‌آورد. افزون بر موارد پیشین، ایران با توان تأمین امنیت برای این مسیر، توانسته جایگاه ویژه‌ای به دست بیاورد.

این در حالی است که برای کشوری چون هند که در سه دهه اخیر الگوی اقتصاد آزاد را در دستور کار خود گذاشته و امروزه افزون بر بازار داخلی، متوجه بازار بزرگ آسیای مرکزی و افغانستان شده، به علت قفل بودن سرزمین^۱ آسیای

مرکزی، ایران شریک ناگزیر هند برای دستیابی به این نقاط و به‌ویژه افغانستان است که می‌تواند محصولات این کشورها از جمله ذخایر هیدروکربن را از قسمت شمالی به مقصد هند (Wagay, 2015: 13) و محصولات خوراکی همچون گندم را از هند راهی آسیای مرکزی کند.

جنبه دیگر اهمیت این طرح‌ها برای هند، موضوع رقابت با چین و پاکستان است که به‌ویژه در طرح جاده ابریشم نوین به همکاری گسترده‌ای دست پیدا کرده‌اند. «هند این شائبه را مطرح کرده که چین قصد بهره‌برداری نظامی از بندر گوادر برای تسلط بر اقیانوس هند را دارد و به پاکستان هم وعده داده تا در مشارکت با یکدیگر، یک ائتلاف امنیتی علیه هند به وجود آورند تا در صورت رویارویی پاکستان و هند، تأسیسات هند را هدف قرار دهند. از این رو، مشارکت چین و پاکستان معطوف به سرمایه‌گذاری و مسائل اقتصادی و بازرگانی صرف نخواهد بود و بار امنیتی نیز دارد. در راهگذر اقتصادی چین - پاکستان، فقیرترین استان پاکستان، استان بلوچستان، از امتیاز پیوستن به این طرح عظیم برخوردار خواهد شد و چین نیز ضمن برخورداری از بازارهای پاکستان، مسیر تازه‌ای برای پیوستن به اقیانوس هند و خاورمیانه خواهد داشت. جایگزینی مسیر زمینی از طریق بندر گوادر به جای مسیر دریای چین جنوبی، مسافت مسیر انتقال نفت و کالاهای موردنیاز چین را به حدود یک چهارم کاهش می‌دهد که نکته بسیار مهم و پرمفعتی برای چین است.» (خداقلی‌پور، ۱۳۹۶: ۴۰)

این در حالی است که اگر ایران طرح‌های زیربنایی و اقتصادی کلان خود را در راستای سرمایه‌گذاری‌های این پروژه قرار دهد، می‌تواند از طریق جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شراکت در پروژه‌های چندجانبه اقتصادی و افزایش سهم سیاسی و اقتصادی خود، ضعف داخلی در حوزه‌های زیرساختی به‌ویژه در بخش جاده، راه‌آهن، بنادر و سرمایه‌پذیری را رفع کند. این در حالی است که عربستان و «به‌ویژه پاکستان توانسته‌اند منافع اقتصادی و حتی نیازها و اهداف بزرگ

خود را با این طرح گره بزنند. پاکستان با وضعیت مالی بسیار ناکارآمد توانسته زیرساخت‌های لازم برای تأمین منافع اقتصادی خود در حوزه ترابری را تا حد بالایی تأمین کند.» (cpecinfo.com, 2017) این شرایط برای هند که رقابت سنتی با پاکستان و چین دارد، به هیچ عنوان خوشایند نیست.

ایران در این زمینه با بهره‌مندی از مرز دریایی در دریای عمان و اقیانوس هند و امکان پیوند دادن هند به آسیای میانه و به‌ویژه افغانستان و نیز برای ترابری کالا به اروپای شرقی از راه روسیه و نیز به‌سوی یونان و اروپای غربی، مهم تعریف می‌شود. ایران، در عین حال، امکان تقویت ارکان قدرت دریایی هند را از طریق توافقات امنیتی و همکاری‌های منطقه‌ای دارد. بنابراین پیوند ایران و هند در این حوزه و فضایی که ایران هم به دنبال رسیدن به نقشی فعال است تا بتواند از انزوایی که محکوم به آن بوده رها شود، امیدوارکننده است.

در سده بیست و یکم ایران نگاه به شرق خود را حول مسائل اقتصادی و نه مسائل ایدئولوژیکی گسترش داده است و در عین حال می‌تواند منجر به تقویت نگاه به غرب هند شود و در ثبات و شکوفایی منطقه کارساز باشد. توافق سال ۲۰۱۴ ایران و هند برای ساخت مشترک امکانات بندری که به راه‌آهن زرنج - دلارام انجامید تا مرز ایران و افغانستان را به بندر چابهار پیوند دهد، اقدام مهمی در این راستا است. (Pal Singh Sidhu, 2016: 23) این فرصت البته دومنظوره خواهد بود؛ ایران هم نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده به‌منظور دستیابی به جایگاه مطلوب خود در انتقال کالا و محصولات از آسیای غربی و حتی اروپا به شرق است. در غیر این صورت، رقبای ایران در حاشیه خلیج فارس با دور زدن ایران، فرصت‌های بازرگانی را از آن خود می‌کنند. حتی کشوری مانند پاکستان که با پشتیبانی چین و از راه بندر گوادر کالاهای بی‌شمار چینی را از مسیر اورومچی به کشورهای حاشیه خلیج فارس منتقل می‌کند و سود می‌برد، می‌تواند پلی میان اروپا، آسیای غربی و کشورهای حوزه خلیج فارس و آسیای جنوبی باشد و سود مشخص خود را از جاده ابریشم نوین به



دست آورد، هرچند در شرایط مشابه، گذر از ایران به صرفه‌تر و مطمئن‌تر خواهد بود.

در زمانی که چین در تلاش است تا با گسترش روابط با پاکستان، حوزه دریای جنوبی را تثبیت کند و تلاش می‌کند این حلقه محاصره بر دور هند را تنگ‌تر کند، در خلیج بنگال و دریای عمان نیز فعال‌تر از گذشته حضور یافته و صرف‌نظر از هند، توازن در برابر ایالات متحده را مدنظر قرار داده است، نیروی دریایی هند هم به‌نوبه خود امنیت تنگه‌های هرمز، مالاکا، باب‌المندب و خلیج بنگال را جزو منافع حیاتی هند تعریف کرده که افزون بر ناوگان‌های چینی، در معرض تهدید از سوی گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان مواد مخدر است. این دلیل دیگری است که به تأثیرگذاری نقش ایران و بندر چابهار برای هند صحنه می‌گذارد تا رفته‌رفته به جایگاه تعریف‌شده جهانی هند بیانجامد. (سیمبر و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۲)

۲- جهانی‌شدن و واگرایی

در بستر جهانی‌شدن و متأثر از این فضا، دولت‌ها وارد تعاملات جدیدی می‌شوند که تضاد احتمالی منافع را بیشتر نشان می‌دهد. اگرچه جهانی‌شدن زمینه پیوند بسیار بالایی برای دولت‌ها ایجاد می‌کند، می‌تواند زمینه واگرایی‌هایی نیز باشد که در طول زمان شکل می‌گیرند.

۲-۱- روابط هند و آمریکا

در ساختار روابط بین‌الملل و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده آمریکا به‌عنوان ابرقدرت تعیین‌کننده مناسبات جهانی نقش آفرینی کرده است. اتحادها و ائتلاف‌ها نیز متأثر از ارتباط مؤثر با دولت آمریکا تعریف می‌شود. به سخن دیگر، میزان رابطه با آمریکا تا حد زیادی در تعیین جایگاه و نقش دولت‌ها در نظام سیاسی بین‌الملل و ساختار توزیع قدرت اثرگذار است؛ همان‌گونه



که دشمنان این اتحادها به عنوان «محور شرارت»^۱ و عوامل بی ثباتی منطقه‌ای و تهدید نظام بین‌الملل معرفی می‌شوند. از همین رو ارتباط یا عدم ارتباط معنادار با این کشور، معادلات را به کلی تغییر می‌دهد؛ طبیعی است که کشورهای پیرو از مزیت آن سود می‌برند و کشورهای چالشگر هزینه رویارویی با آن را می‌پردازند. اگرچه در سال‌های اخیر رخدادهای متعددی عینی بودن این جهان تک‌قطبی را به چالش کشانده، اما صرف نظر از نگرش‌های گوناگون، جایگاه آمریکا به لحاظ سیاسی، نظامی، اقتصادی، و حتی علمی منحصربه‌فرد است.

هند که در دوره جنگ سرد علی‌رغم داعیه‌داری در جنبش‌های عدم تعهد محور، و برخلاف رقیب سنتی خود یعنی پاکستان، به‌سوی شوروی تمایل داشت؛ پس از طی دوره‌ای و البته با پایان جنگ سرد و تغییر در سیاست خارجی خود، به‌سوی غرب و آمریکا و همکاری جدید در سامانه روابط بین‌الملل متمایل شد. این کشور برای به دست آوردن موقعیت ممتاز، از هزینه‌کردهای آمریکا برای ایجاد توازن منطقه‌ای در راستای بزرگ کردن سهم خود در سیاست جهانی بهره گرفته است. هند تمایل معناداری برای تقویت توانمندی‌های سیاسی خود برای به دست آوردن جایگاه قدرت بزرگ و دریافت پشتیبانی مادی و معنوی از آمریکا دارد. هند در این مسیر گسترش دامنه سکولاریسم، لیبرالیسم و دموکراسی خود را در پیوند با نمونه «مطلوب» و نه الزاماً «وابسته» به آمریکا نشان داده و تلاش نموده تا با محوریت منافع ملی و جمعی، به تقویت نهادهای مردم‌گرا، که از الزامات اجتماعی مردم‌سالاری است، جامه عمل بپوشاند.

با این برداشت و با تأکید بر وجود رابطه‌ای خصمانه و نهادینه در روابط ایران و آمریکا، ارتباطات هند با آمریکا یکی از عوامل متزلزل‌کننده احتمالی در روابط ایران و هند است. برای نمونه، در موضوع برنامه هسته‌ای، آشکارا فشارهای آمریکا هند را



از همراهی با ایران منصرف ساخت. دیوید مولفورد سفیر آمریکا در هند اعلام کرد که اگر هند در فرستادن پرونده ایران به شورای امنیت با آمریکا و اروپا همراهی نکند، توافق هسته‌ای هند با آمریکا با نتایج «زیانباری» روبه‌رو می‌شود و کنگره ملاحظه آن را متوقف و تلاش‌ها برای نیل به یک توافق ناتمام به پایان می‌رسد و همین شد که هند پیگیری از منافع ملی خود را در احاله پرونده ایران به شورای امنیت دید (Pant, 2008: 28).

در موضوعات اقتصادی نیز آمریکا تلاش در حفظ فشار بر عدم همکاری با ایران داشته است. بر این پایه، در پروژه خط لوله صلح، تلاش‌های آمریکا آشکارا در دلسرد کردن هند از این مشارکت و تشویق این کشور در پیگیری خط لوله رقیب، تاپی، به چشم می‌خورد. (Scott, 2011: 54) از این‌رو، پیوند بیشتر هند با ایالات متحده مطلوب ایران نخواهد بود چراکه روابط ایران و آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی روابطی غیردوستانه بوده و فشارهای آمریکا بر هند به‌ویژه در مسئله رأی منفی به ایران در شورای حکام، سبب نگرانی برای ایران در نوع رابطه و رفتارهای آینده هند شده است. (Pal Singh Sidhu, 2016: 26)

با تقویت روابط هند و آمریکا، هند وارد یک بازی توأمان شده که در آن ایران و آمریکا را جدا از هم درک می‌کند. اگرچه هند به‌ویژه با توافق هسته‌ای غیرنظامی خود با آمریکا به آن نزدیک‌تر شد، اما امتیازات ایران، این کشور را وادار به راضی نگه داشتن ایران نیز می‌کند. در صورتی که روند مقابله ایران و آمریکا به نبرد نظامی بکشد، هند باید تصمیم‌های بسیار سخت‌تری بگیرد که می‌تواند عواقب غیرقابل‌تصور برای این کشور به دنبال داشته باشد.

نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که هرچند هند در دهه‌های اخیر به دنبال تقویت روابط با آمریکا بوده، اجازه نداده است که آمریکا سیاست خارجی آن را به اصطلاح دیکته کند و ابعاد یک سیاست خارجی اجاره‌ای را برنرفته است.

درعین حال، هند به خوبی می‌داند همکاری نکردن با آمریکا چه پیامدهایی می‌تواند برای کشوری که به دنبال رشد اقتصادی است، داشته باشد. ازاین‌رو، رفتار در چارچوب منطق هزینه-فایده تعیین‌کننده خواهد بود.

۲-۲- نقش چین

اهمیت برآمدن چین به عنوان یک قدرت اقتصادی در حال افزایش است. اصلاحات اقتصادی چین پیش از هند در سال ۱۹۷۸ آغاز شد و این کشور توانست رشد اقتصادی چشمگیری را تجربه کند. رشد اقتصادی چین امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری لازم برای به دست آوردن قدرت بیشتر این کشور را فراهم آورده است. تلاش چین در جذب بازارهای اقتصادی اروپا، آسیای جنوبی و آسیای مرکزی و نیز برای یافتن فروشندگان باثبات انرژی در کنار کشمکش‌های مرزی و صف‌آرایی سیاسی عواملی است که این کشور را برای بازیگری‌های کلان آماده‌تر می‌کند.

مناسبات گسترده ایران و چین که در آن از یک سو پشتیبانی‌های مشروط چین از ایران در زمینه کمک و مشارکت در حوزه‌های مختلف انرژی هسته‌ای و صنایع دفاعی را در بر می‌گیرد و در سوی دیگر، ایران یکی از تأمین‌کنندگان قابل اعتماد نفت چین به شمار می‌رود، به گونه مستقیم منافع استراتژیک هند را تهدید نمی‌کند، اما از آنجا که چین تاکنون در محصورسازی فضای ارتباطی هند تا حدودی موفق بوده و نیز ارتباطات راهبردی آن با ایران به‌ویژه در شکل اقتصادی برای هند هزینه‌بر است، مهم تلقی می‌شود. (Pant, 2008: 126)

چین و هند برای تولید و فروش محصولات مصرفی و بازرگانی و همپای آن، خرید سوخت، تنش‌هایی را تجربه می‌کنند. چین در صدد گسترش روابط خود با ایران و دیگر کشورهای پیرامون خلیج فارس است تا هم به منابع گسترده انرژی دست یابد و هم بازرگانی دریایی خود را گسترش دهد. امروزه چین به بزرگ‌ترین شریک اقتصادی ایران تبدیل شده است و پروژه‌های گسترده‌ای را در غیاب غرب در



حال انجام دارد. خلأ حضور غرب فرصت را برای حضور هرچه بیشتر چین فراهم کرده و سبب به حاشیه رفتن هند، علی‌رغم همه پیوندهای اقتصادی شده است. رقابت چین و هند برای تعمیق روابط با ایران بسیار جدی است. چین با امتیاز عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل اهرم‌هایی به‌مراتب قوی‌تر در اختیار دارد و می‌تواند ایران را از این راه به خود نزدیک‌تر کند. این در حالی است که با توجه به تلاش آمریکا برای تقویت هند در برابر چین و اصرار بر عدم همکاری گسترده هند با-ایران، فضا برای همکاری بیشتر ایران-و چین فراهم‌تر شده و از این رو، هند در این فضا کمتر بهره‌مند است.

۲-۳- عامل مذهب

شمار قابل توجه مسلمانان در هند که سومین کشور دارای جمعیت مسلمان در جهان، علی‌رغم غیر اسلامی بودن آن است، و نیز این امر که مسلمانان با حدود ۱۴.۲ درصد جمعیت کل کشور، بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی در هند برآورد می‌شوند (Gosh & Sing, 2015) و نیز این امر که هند از شرق و غرب با دو کشور مسلمان جدا شده از خود روبه‌رو است، اهمیت و جایگاه مسلمانان در هند را نشان می‌دهد. اختلافات مسلمانان و هندوها که در آستانه استقلال هند در سال ۱۹۴۷ شدت گرفت، به تجزیه هند و تأسیس کشور مستقل پاکستان منجر شد. به دنبال آن، قضیه کشمیر و اختلافات هند و پاکستان و ساکنان کشمیر بر سر اداره این منطقه و نگرانی فزاینده ملی‌گرایان هندو از رشد بیگانگی مسلمانان، سبب ایجاد گسستی عمیق در میان مسلمانان و هندوها شده است. (Hathaway, 2014: 11)

این تنش‌ها در رویدادهایی همچون حادثه میروت^۱، تخریب مسجد بابری^۲ و

۱. در سال ۱۹۸۷ تعداد ۴۲ نفر از مسلمانان هندی در میروت هند به دست نیروی ویژه جرائم امنیتی هند کشته شدند.

۲. در سال ۱۹۹۲ میلادی گروهی از هندوهای متعصب که مسجد بابری را محل اولیه معبد خدای رام می‌دانستند، به این مسجد حمله کردند و آن را نابود ساختند.

کشتار گجرات^۱ بارها اوج گرفته و به کشته شدن هزاران نفر انجامیده است. این مهم در حیطه سیاسی در روابط هند با کشورهای مسلمان و از جمله ایران تأثیرات منفی کوتاه مدتی داشته است. امروزه هند به دنبال روابط مستحکم و برادرانه‌ای با کشورهای مسلمان است تا خود را به عنوان یک دولت سکولار، از هر سوگیری تنش برانگیزی رهایی دهد و مسلمانان هندی را از واگرایی و تردید، به سوی همگرایی سیاسی سوق دهد. (Fair, 2007)

در توضیح این موضوع دو نکته دارای اهمیت است؛ در درجه نخست، هند در سال‌های اخیر روابط راهبردی گسترده‌ای را در بخش‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی با اسرائیل دنبال می‌کند که سبب انزجار بسیاری از مسلمانان و حتی غیرمسلمانان منتقد به وضع رابطه با رژیم صهیونیستی شده است. افزون بر این، افکار عمومی مسلمانان از گسترش رابطه راهبردی با آمریکا در بخش هسته‌ای که خود را بیش از هر چیزی در توافق هسته‌ای سال ۲۰۰۸ نشان داد، ناخرسند است. دولت هند برای تعدیل این شرایط روابط خود را با جهان اسلام تقویت می‌کند. (Tishehyar, 2011: 147)

در درجه دوم، ایران بزرگ‌ترین مأمّن برای شیعیان در جهان به شمار می‌رود و هند نیز شمار بالایی از شیعیان را در خود جای داده است. این امر می‌تواند نقش رابطه با ایران را برای هند پررنگ‌تر از پیش کند. (Desai & Dormandy, 2008, 2) در کنار آن، پشتیبانی‌های ایران از مردم کشمیر قرار دارد. ایران در قالب رویکرد انتقادی به روش برخورد نیروهای نظامی با ساکنان غیرنظامی این منطقه اعتراض داشته است که هرچند با پاسخ تند طرف هندی روبه‌رو نشد، اما دخالت در مسائل داخلی هند تلقی شد. (Tishehyar, 2011: 149)

۱. در فوریه ۲۰۰۲ حمله به قطار هندوهایی که در حال بازگشت از مراسم مذهبی بودند که در مسجد بامری، محل مناقشه مسلمانان و هندوها، برگزار شده بود به قتل عام خونین مسلمانان انجامید که در پی آن صدها نفر کشته شدند. مسلمانان مسئولیت این حادثه را با نارندرا مودی، نخست‌وزیر کنونی و سرور وزیر وقت گجرات می‌دانند که پلیس با چراغ سبز وی اقدام به کشتار مسلمانان نمود.



۲-۴- اختلاف نظرهای فنی و مالی

موضوع مهم دیگری که بر تقویت حداکثری ظرفیت روابط دو کشور سایه افکنده، اختلاف نظرهای دو کشور بر سر موضوعات فنی و بیشتر مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک است. اختلاف نظر در موضوع بدهی‌های نفتی هند به ایران، مسئله بهره‌برداری از میدان گازی فرزاد بی، بندر چابهار و پروژه خط لوله صلح سبب طولانی شدن روند گفتگوها و در برخی مواقع، تهدیدهای دو طرف بر استفاده از شرکای دیگر و تکرار مناقصه‌ها شده است. (The Hindu, 2016)

همچنین درباره توسعه بندر چابهار که می‌تواند شاهراهی برای پیوند مسیر ارتباطی هند و افغانستان و آسیای مرکزی باشد و در تحقق راهگذر شمال-جنوب مؤثر واقع شود، هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها علیه ایران، تردیدهایی از سوی هند وجود داشته است. هرچند با توافق ایران، هند و افغانستان که به تازگی انجام پذیرفت، ریل‌گذاری این طرح صورت گرفت، اما همچنان مسئله عملیاتی کردن این پروژه وجود دارد. (Pal Singh Sidhu, 2016: 15) چابهار افزون بر در دسترس قرار دادن منابع سرشار انرژی برای هند، پاسخی به پروژه مشترک پاکستان و چین در بندر گوادار است. (Siddiqui, 2010: 7)

۲-۵- روابط هند با رژیم اسرائیل

ایران که پیش از انقلاب حامی اصلی اسرائیل در منطقه به شمار می‌آمد، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصول خود را بر مخالفت بنیادی با وجود چنین موجودیتی قرار داد. در این راستا با عدم شناسایی آن و تلاش برای پشتیبانی همه‌جانبه از گروه‌های فلسطینی، ارتباط خصمانه‌ای میان ایران و اسرائیل نهادینه شد. از سوی دیگر، اگرچه هند هم‌زمان با استقلال این کشور بر اساس سیاست نفی زور و ظلم از جنبش آزادی‌بخش فلسطین پشتیبانی نمود و به مخالفت شدید با رژیم صهیونیستی پرداخت، اما این روند با به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی دولت هند

در سال ۱۹۵۰ متوقف و روابط کشور هند با رژیم صهیونیستی در پس پرده گسترش یافت؛ تا جایی که یکی از سیاستمداران اسرائیلی از هند به عنوان وطن دوم یاد نمود. (نیاکویی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۴۸)

هندی‌ها با این اعتقاد که در سایه سیاست اقتصادی درهای باز، باید به مناسبات گسترده با جهان روی آورند، در سال ۱۹۹۲ درباره برقراری روابط دیپلماتیک و عادی‌سازی روابط با اسرائیل به توافق رسیدند و به تدریج در حوزه‌های گوناگون وارد همکاری دو و چندجانبه شدند که می‌توان مهم‌ترین حوزه همکاری را در گستره دفاعی دانست. به این ترتیب، ادبیات ایران نسبت به رژیم صهیونیستی سبب محدودیت در روابط دوجانبه ایران و هند شد. (Pant, 2011: 71)

قرارداد نظامی ۱.۱ میلیارد دلاری سال ۲۰۰۴ در زمینه سامانه کنترل و هشدار فالکون و قرارداد ۲.۵ میلیارد دلاری در زمینه سامانه‌های موشکی، جزو نخستین تجربیات مشترک هند با اسرائیل بود که خیلی زود وارد حوزه‌های فضایی، اطلاعاتی و جاسوسی شد و در زمینه مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی در چارچوب گفتگوی سالانه، جنبه سیاسی - اطلاعاتی به خود گرفت. در دو دهه اخیر هند تجهیزات مدرن و پیشرفته‌ای از اسرائیل خریداری نموده است که گفته می‌شود افزون بر رصد اطلاعاتی پاکستان، دلیل تمایل هند به همکاری نظامی با اسرائیل، رویارویی با چین است. در همین حال، اسرائیل از روابط هند و ایران نگران است و از دولتمردان هندی می‌خواهد برای عدم انتقال اطلاعات و تجهیزات نظامی اسرائیلی به ایران تضمین دهند. تقویت روابط هند و اسرائیل که امروز در اوج خود جای دارد، اگرچه ناخوشایند ایران بوده، (سیمبر، ۱۳۹۴: ۱۰۴-۱۰۱) ولی در منافع بلندمدت دو کشور تأثیر قابل توجهی نگذاشته است.



نتیجه گیری

ایران و هند به عنوان دو کشور در حال توسعه، با فاصله قابل توجهی از یکدیگر، در حال حرکت در مسیر شکوفایی هستند. جهانی شدن تأثیرات متفاوت و گاه متضادی در نزدیکی و دوری این دو کشور با یکدیگر دارد. اما به نظر می‌رسد که فراتر از شرایط به سرعت در حال تغییر فرایند مذکور، اعتماد و اطمینان دیرپای دو دولت و دو ملت بتواند در سایه همگرایی این دو در پرتو تعامل سازنده و استفاده از امکانات مکمل یکدیگر در ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی، اطلاعاتی، فرهنگی و علمی امکان توسعه سیاسی و اقتصادی را با توجه به کیفیت ظرفیت هر یک از این دو فراهم کند و زمینه بازیگری جهانی این دو کشور را بر محور جهان چندقطبی و اعتماد متقابل گسترش دهد.

در تلقی نهایی از روابط دو کشور متأثر از فرایند جهانی شدن و با ارائه دودسته عوامل همگراساز و واگراساز، می‌توان جایگاه ایران برای هند را جایگاهی مهم و درعین حال پرمخاطره دانست. ایران با ذخایر طبیعی انرژی بالا که به‌طور مشخص نفت و گاز را در برمی‌گیرد، یکی از کشورهای مؤثر به لحاظ بازیگری سیاسی در منطقه غرب آسیا به شمار می‌رود و ظرفیت همگرایی سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی با هند را دارد. این کشور با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی که در منطقه غرب آسیا، خلیج فارس و حذفاصل کشورهای عربی، کشورهای آسیای مرکزی و اروپا دارد، به عنوان مسیر ترابری قابل اطمینان، ارزان و سریع، امکان دستیابی هند به بازار اقتصادی که در آن دسترسی این کشور با چالش‌هایی روبه‌رو است را فراهم می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز افزون بر اهمیت پیوندهای تاریخی و تمدنی خود با هند، که از منظر فرهنگ، هنر، زبان و ادبیات، و معماری قابل توجه است و دنباله تمدن یگانه شرقی ایران باستان به شمار می‌رود، هند را کشوری بزرگ و بااهمیت

در مقیاس‌های کلان جهانی پس از جنگ سرد می‌بیند و با توجه به رشد فزاینده توان اقتصادی هند در اثرگذاری بر فرایندهای سیاسی و ژئوپلیتیک؛ شراکت راهبردی با هند را مسیری در جهت شکوفایی استعدادهای داخلی خود بر اساس علاقه‌مندی‌های مشترک و احترام متقابل تلقی می‌کند. گذشته از این، بخش مهمی از سرمایه‌های تمدنی اسلام با زبان فارسی و از منظر ایرانی به هند راه یافته و ادیان و نحله‌های گوناگون هند را الهام‌بخش بوده است. ایران برای حفظ این سرمایه‌ها و گسترش روزافزون آنها، به دنبال تقویت و تأمین روابط خود است.

با این همه و با وجود مؤلفه‌های جدی برای همکاری دو کشور هند و ایران، این همکاری تحت تأثیر مؤلفه‌های واگراساز نتوانسته است چندان عملیاتی شود. مؤلفه‌هایی چون روابط هند با آمریکا و به‌ویژه اسرائیل، روابط ایران و چین، عوامل مذهبی و اختلافات فنی و مالی، روابط این دو کشور را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار داده‌اند. آنچه به‌سادگی نباید از آن گذشت، تلاش هند برای حفظ ایران به مثابه شریک بزرگ و البته تأمین‌کننده انرژی، علی‌رغم فشارهای جدی آمریکا است.

از سوی دیگر، روابط هند با آمریکا و حتی رژیم اسرائیل اگرچه مطلوب جمهوری اسلامی ایران نیست، به‌ویژه از این نظر که به توان دشمنان و یا دست‌کم رقیبان ایران می‌افزاید و یا نقش‌آفرینی و توان ایران را محدود می‌کند، اهمیت دارد؛ ایران به‌خوبی می‌داند که رفتار مستقل و معطوف به منافع ملی حق هر دولت و ملتی است که در منطق هزینه-فایده نیز قابل تصدیق است. نکته دیگر اینکه، عامل مذهبی با توان به کار گرفته شدن دوسویه و البته غلبه بعد حساسیت‌زایی آن نتوانسته روابط ایران و هند را چندان تحت تأثیر قرار دهد. هندوستان، بزرگ‌ترین مردم‌سالاری جهان، توانسته است که موضوع مذهب را به شکل حل‌شده در درون خود نهادینه کند و با توجه به آزادی و البته تنوع مذهبی موجود در این کشور، موضوع مذهب چندان حساسیت ندارد؛ هرچند نباید از برخی از تنش‌های مذهبی که هنوز هم در این کشور قربانی می‌گیرند، چشم پوشید.



درمجموع، همچنان که در این نوشتار بررسی شد، مؤلفه‌های همگرایی ایران و هند در فضای جهانی شدن به مراتب بیشتر و بااهمیت‌تر از مؤلفه‌هایی با کارکرد واگرایانه هستند. ایران و هند که از دیرباز روابط گسترده‌ای با هم داشته‌اند، در فضای جدید نیز ظرفیت لازم برای تداوم و یا تعمیق روابط خود را دارند. این موضوع برای هر دو طرف به شکل قابل توجهی دارای اهمیت است. ایران با توجه به امتیازات بسیاری که دارد می‌تواند سهم چشمگیری در مبادلات و مراودات هند داشته باشد. ایران و هند در چند مؤلفه مشترک از جمله تروریسم، موضوعات و مشترکات فرهنگی، و مناسبات سیاسی و همکاری‌های منطقه‌ای توان هم‌افزایی و در چند مورد به شکل یک‌جانبه فضایی برای همکاری دارند. موارد یک‌جانبه جذاب برای ایران، توان اقتصادی بالا، اثرگذاری فزاینده هند در سامانه بین‌الملل و اقتصاددانشی این کشور است. از سوی دیگر، ایران به دلیل توان تأمین انرژی متجانس با صنایع بزرگ مصرفی هند، امتیاز جغرافیایی و ترابری و بازار مصرف، برای هند جذاب است. بدین ترتیب در این بررسی دیده شد که مؤلفه‌های همگرایی ایران و هند در عصر جهانی شدن، فضای همکاری ایران و هند را فراهم آورده‌اند. ایران و هند در این فضا و متأثر از آثار جهانی شدن، در دو بعد دولتی و غیردولتی، می‌توانند همکاری و تعاملاتی بیش‌ازپیش را تجربه کنند.



فهرست منابع

۱. اخوان کاظمی، مسعود و پروانه عزیزی (۱۳۹۲) "تحلیل اقتصاد سیاسی توسعه در هند". فصلنامه مطالعات شبه‌قاره شماره چهاردهم. صص ۷-۳۲.
۲. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۷). قدرت نرم و سرمایه اجتماعی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۳. امام جمعه‌زاده، سید جواد؛ فیروزی، آیت (۱۳۸۶) «زمینه‌ها و موانع همگرایی در منطقه خلیج فارس»، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان، سال ۱۹، ش ۴.
۴. امراللهی، محمدتقی (۱۳۹۶) «نگاهی به اقتصاد هند از زاویه نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید (SWOT)»، دومین کنفرانس سالانه اقتصاد، مدیریت و حسابداری، اهواز، دانشگاه شهید چمران، سازمان صنعت، معدن و تجارت خوزستان، دسترسی در: https://www.civilica.com/Paper-EMAC02-EMAC02_166.html
۵. پیشگاهی فرد، زهرا؛ خالدی حسین؛ بهادر غلامی و یاسر ابراهیمی. (۱۳۹۳). جهانی شدن ارتباطات و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مرزهای غرب. جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای. شماره ۱۰. ۷۲-۵۵.
۶. تینکس، پی. جی. (۱۳۹۳) پژوهشی پیرامون روندهای استراتژیکی منطقه جنوب آسیا تا سال ۲۰۴۰، ترجمه کاظم قاسمی و دیگران، تهران، قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیا (ص) آجا.
۷. خداقلی‌پور، علیرضا (۱۳۹۶). "ابتکار کمربند-راه چین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران". فصلنامه سیاست خارجی. سال ۳۱. شماره ۱. صص ۱۷-۴۹.
۸. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه (۱۳۸۹) هند، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
۹. رمضان‌زاده، عبدالله و حیدرعلی مسعودی. (۱۳۸۸) "جستاری نظری پیرامون جهانی شدن و امپراطوری‌سازی و رابطه دو مفهوم". فصلنامه سیاست. دوره ۳۹. ش ۲. صص ۱۰۹-۱۲۸.
۱۰. ساروخانی، باقر و اسداله بابایی فرد (۱۳۹۱). اینترنت، جهانی شدن و هویت فرهنگی جوانان در ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها. چاپ اول. تهران: دیدار.



۱۱. سازمند، بهاره، محمدرضا حق شناس و لقمان قنبری (۱۳۹۳). "چشم انداز موازنه قدرت در روابط هند و پاکستان در پرتو تحولات اخیر." فصلنامه روابط خارجی. ۴۳-۸۱.
۱۲. سلطانی نژاد، محمد (۱۳۹۵) «روابط ایران و هند: تحلیلی بر یک مشارکت استراتژیک ناتمام»، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، ش ۲، تابستان ۱۳۹۵: صص ۱۴۱-۱۱۵.
۱۳. شریعتی نیا، محسن و توحیدی، زهرا (۱۳۹۳) همگرایی آسیایی: فرصت‌ها و تهدیدات برای ایران، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
۱۴. فرجی‌راد، عبدالرضا و عبدی، مسعود (۱۳۹۴) «توسعه علمی و فناوری در کشور و تأثیر آن بر افزایش قدرت منطقه‌ای (مطالعه تطبیقی جمهوری اسلامی ایران)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال یازدهم، ش ۳، پاییز ۱۳۹۴، صص ۸۳-۵۹.
۱۵. فلاح، مرتضی. (۱۳۸۸) "جایگاه فرهنگ و زبان فارسی در شبه‌قاره هند." فصلنامه مطالعات ملی. سال دهم. شماره ۲. صص ۱۲۷-۱۵۲.
۱۶. کولایی، الهه؛ ایمانی کله‌سر، مسعود (۱۳۹۱) سیاست انرژی هند در منطقه دریای خزر؛ مروری انتقادی، در الهه کولایی و ماندانا تیشه‌یار (۱۳۹۱) جلوه‌هایی از توسعه هند در نگاه ایرانی، تهران، میزان.
۱۷. گلستانی، علی و حسن ولی‌پورلندی (۱۳۹۵). "جهانی‌شدن و شهرهای جهانی: اعتبارسنجی ایران." همایش ملی آینده‌پژوهی توسعه ملی ایران در بستر جغرافیا. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات. تهران.
۱۸. گل محمدی، احمد. (۱۳۹۳) جهانی‌شدن فرهنگ و هویت. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.
۱۹. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹) جهان رها شده: گفتارهایی در باب یکپارچگی جهان. ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی‌عبدالوهاب. چاپ اول. تهران: علم و ادب.
۲۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴) تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت.
۲۱. میرزایی، محمدمهدی و علی گلستانی (۱۳۹۶). "تحلیل عوامل توسعه هند با تمرکز بر نقش تصمیم‌گیران." فصلنامه سیاست خارجی. سال سی و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶. صص ۵۳-۸۰.
۲۲. نوازنی، بهرام. (۱۳۸۲) جهانی‌شدن و پیامدهای آن برای ایران. چاپ اول. تهران:

۲۳. نهرو، جواهر لعل (۱۳۶۱) کشف هند، ترجمه محمود تفضلی، تهران، امیر کبیر.
۲۴. نیاکویی، سید امیر و سجاد بهرامی مقدم (۱۳۹۲). "روابط ایران و هند: فرصت‌ها و تهدیدها". فصلنامه روابط خارجی. سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳، صص ۰۶۱-۰۱۳.
۲۵. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۰) پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
۲۶. هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی. (۱۳۸۹) "تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران". تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ۳، شماره ۱. صص ۱۷۹-۱۵۱.
۲۷. یوسفی جویباری، محمد و نجات محمدی‌فر (۱۳۹۰). "فرهنگ و تمدن ایرانی و جهانی‌شدن، فرصت‌ها و چالش‌ها". مطالعات جامعه‌شناسی. دوره ۳. شماره ۱۲. صص ۲۳-۳۸.

انگلیسی

1. Beck, Ulrike. (2000). what is globalization. Cambrige, Polity Press.
2. Desai, R. D., Dormandy, x. (2008) India-Iran Relations: Key Security Implications, Project on India and the Subcontinent, Robert and Renée Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School.
3. Drezner, D. W. (2001). Globalization and policy convergence. *International studies review*, 3(1), 53-78.
4. Fair, C. C. (2007). India and Iran: New Delhi's balancing act. *Washington Quarterly*, 30(3), 145-159.
5. Gosh, Abantika & Singh, Vijaita (2015) Census 2011: Muslims record decadal growth of 24.6 pc, Hindus 16.8, Indian Express.
6. Haggett, P. (2001). Geography: A Global Synthesis. England: Pearson.
7. Haider, Mansura (2001) Indo-Iran relations: historical and cultural perspective, indo-Iran relations: collected papers presented at the seminar held in February, New Delhi, Iran culture house, pp. 32-96.
8. Hathaway, Robert M. (2014) The strategic partnership between India and Iran, Asia program special report, no. 120.
9. http://en.ndrc.gov.cn/newsrelease/201503/t20150330_669367.html.
10. <http://www.cpecinfo.com>.



11. <http://www.iran-daily.com/News/112614.html>.
12. Lash, Scott and John. Urry. (1987) *The End of Organized Capitalism*. Cambridge: Polity Press.
13. Manoj, P. K. (2007) ICT Industry in India: A SWOT Analysis, *Journal of Global Economy*, vol.3, No. 5&6.
14. McDonald, John W. (2006) "Citizen Diplomacy". Institute for Multi-Track Diplomacy Washington, D.C., U.S.A
15. McDonald, John W. "Citizen Diplomacy in a Changing World". *Exopolitics Journal* 2:1 (April 2007). ISSN 1938-1719.
16. Ministry of External Affairs (2012) India-Iran relations, Website MEA.
17. Nye, Joseph. (2004) *Soft Power; The Means to Success in 'World Politics*. New York: Public Affairs press.
18. Nye, Joseph. (2005) "Soft power matters in Asia." *The Japan Times*. No 5.
19. OKURA, Mahito & David Carfi. (2014) "Coopetition and Game Theory". *Journal of Applied Economic Sciences*.
20. Pal Singh Sidhu, Waheguru (2016) *The United States, India and Iran: managing a delicate balance, center on cooperation international*, New York, NYUCIS.
21. Pant, H. V. (2007). A fine balance: India walks a tightrope between Iran and the United States. *Orbis*, 51(3), 495-509.
22. Pant, Harsh V. (2008) *Contemporary Debates in Indian Foreign and Security Policy*, New York, Palgrave Macmillan.
23. Pant, Harsh V. (2011) *India's relations with Iran: Much ado about nothing*, center for strategic and international studies, Washington Quarterly, winter 2011.
24. Ray Dadwal, S. (2012). India-Iran Energy Ties: A Balancing Act. *Strategic Analysis*, 36(6), 930-940.
25. Rizvi, Syed Ali Abbas. (2017). "Population of Shia Ithna Ashri community in India; case study of Lucknow." *IOSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR-JHSS)* Volume 22, Issue 9, Ver. 3 (September. 2017) PP 16-21.
26. Rodrik, Dani. (2012). "Globalization Dilemmas & the Way Out". *THE INDIAN JOURNAL OF INDUSTRIAL RELATIONS A REVIEW OF ECONOMIC & SOCIAL DEVELOPMENT*. Vol 47. No3.
27. Rousseau, Richard. (2012) *Is an Unholy Alliance against Iran in the Making?* , Baku, Khazar Univesity. Available at: <http://dSPACE.khazar.org/bitstream/20.500.12323/2041/1/Is%20an%20>

Unholy%20Alliance%20against%20Iran%20in%20the%20Making.pdf

28. Salzano Massimo.(2003). Globalization of the Italian School of Public Finance,(University of Salerno)

29. Scott, David (2011) Handbook of India's international relations, London, Routledge.

30. Shefer, Richard T. (2005) Sociology. London. Mc Graw-Hill.

31. Siddiqui, Rushda (2010) India-Iran relations: exploring co-operation in challenging times, New Delhi, Indian council of world affairs.

32. Simmonds. (2000) "Introduction" in Simmonds Roger and Hack Gray (eds). Global City Regions: Their Emerging Forms. London: Spon Press.

33. Singh Roy, M. (2012). Iran: India's Gateway to Central Asia. *Strategic Analysis*, 36(6), 957-975.

34. Soumitra Dutta. (2012) INSEAD Beñat Bilbao-Osorio, World Economic Forum.

35. Stein, Burton (2010) A history of India, UK, Wiley-Blackwell.

36. Suresh, R. (2015). India-Iran relations: Prospects and challenges. Chicago

37. Tanham, George (1992) India's strategic thought: an interpretive essay, Santa Monica: Rand publication.

38. The Hindu (2016) "India may lose Farzad B gas field bid", The Hindu, October 28, 2016, available at: <http://www.thehindu.com/news/international/india-may-lose-farzad-b-gas-field-bid/article19940127.ece>

39. The Hindu (2017) We need to invest \$646 bn in infra in 5 years: Jaitley, April 01, 2017. Available at: <http://www.thehindu.com/business/Economy/we-need-to-invest-646-bn-in-infra-in-5-years-jaitley/article17756875.ece>

40. Tishehyar, Mandana (2011) The dynamism of Iran-India relations: 1979-2009, Iranian review of foreign affairs, vol.2, no.2, summer2011, and pp.127-156.

41. V. V. Krishna and Mishra, Rajiv (2016) Policy brief: India science and technology cooperation with EU and select countries, Austria, Indigo policy.

42. Wagay, Shamim Ahmad (2015) Indo-Iranian relations: energy prism, international affairs and global strategy, vol. 28.



